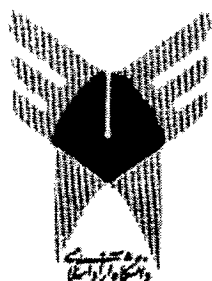




۱۳۱۱۲۹



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد رودشت

رساله کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی

گرایش: برنامه ریزی درسی

موضوع

بررسی و مقایسه اسلام و اگزیستانسیالیسم در زمینه برنامه درسی با

تأکید بر هدف، روش، محتوا

استاد راهنما

جناب آقای دکتر محسن زارعی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر حجت اله فانی

نگارنده

زهرا شهابی

سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷

کتابخانه مرکزی
سخت‌افزار

۱۳۸۸/۱۲/۴

۱۳۱۱۳۶

سپاس

با سپاس فراوان از بارگاه خداوند متعال
که چون همیشه و بیش از پیش،
الطاف و عنایات خاصه خود را شامل این بنده حقیر نموده
و توفیق عطا کرد تا
چند صباحی در خدمت اساتید معظم
از دریای بیکران علم و معرفت آن بزرگواران بهره برم.

بر خود لازم می دانم
از زحمات اساتید ارجمند جناب آقای دکتر محسن زارعی، استاد راهنما، جناب آقای دکتر حجت اله
فانی استاد مشاور و مدیر گروه در دوره تحصیلی بنده و کلیه اساتید معظمی که در طول دوران تحصیل و
تهیه این رساله چون شمعی پر فروغ مرا هدایتگر بودند کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم.

و با سپاس از عزیزانم:
پدر و مادرم که دعای خیرشان بدرقه راهم بوده،
همسر فداکارم که در همه مراحل زندگی همراه و مشوق من بوده،
و کلیه عزیزانی که در طول تهیه این رساله از مساعدت آن‌ها بهره فراوان بردم.

تقديم:

به پیشگاه عصاره‌ی کمال، گل سرسبد کون و مکان

«الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْنُوبُ»

«السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»

«الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَخُلُودِهِ»

قطب عالم امکان، صاحب العصر و الزمان (عج)

...

فهرست

فصل یک: کلیات

- ۱-۱- مقدمه: ۳
- ۱-۲- تعریف و تبیین موضوع: ۴
- ۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق: ۵
- ۱-۴- مفهوم شناسی: ۷
- ۱-۴-۱- تعریف اسلام: ۷
- ۱-۴-۲- آگزیستانسیالیسم: ۷
- ۱-۴-۳- هستی شناسی: ۷
- ۱-۴-۴- معرفت شناسی: ۷
- ۱-۴-۵- ارزش شناسی: ۷
- ۱-۴-۶- برنامه درسی: ۸
- ۱-۴-۷- هدف: ۸
- ۱-۴-۸- روش: ۸
- ۱-۴-۹- محتوا: ۸
- ۱-۵- روش تحقیق: ۸
- ۱-۶- سؤالات تحقیق: ۹
- ۱-۷- اهداف تحقیق: ۱۰
- ۱-۸- پیشینه عملی تحقیق: ۱۰
- ۱-۹- مطالعات داخلی: ۱۰
- ۱-۲- مقدمه: ۱۵
- ۱-۲-۲- مبانی فلسفی: ۱۶
- ۱-۲-۲-۱- هستی شناسی: ۱۶
- ۱-۲-۲-۱-۱- تعریف وجود: ۱۷
- ۱-۲-۲-۱-۲- اقسام وجود: ۱۷
- ۱-۲-۲-۱-۲-۱- عینی و ذهنی: ۱۷

- ۱۷ ۲-۲-۱-۲-۲-۲-۲ حادث و قدیم:
- ۱۸ ۳-۲-۱-۲-۲-۲ ثابت و متغیر:
- ۱۸ ۴-۲-۱-۲-۲-۲ واجب، ممکن، ممتنع:
- ۱۹ ۳-۱-۲-۲-۲ مراتب داشتن هستی:
- ۲۰ ۴-۱-۲-۲-۲ اصالت وجود یا اصالت ماهیت:
- ۲۰ ۲-۲-۲-۲ معرفت شناسی:
- ۲۱ ۱-۲-۲-۲-۲ ماهیت معرفت:
- ۲۱ ۲-۲-۲-۲ امکان معرفت:
- ۲۲ ۳-۲-۲-۲-۲ ابزارهای معرفت (منابع شناخت):
- ۲۲ ۱-۳-۲-۲-۲-۲ حواس:
- ۲۳ ۲-۳-۲-۲-۲-۲ عقل:
- ۲۳ ۳-۳-۲-۲-۲-۲ شهود و مکاشفه:
- ۲۴ ۴-۲-۲-۲-۲ انواع معرفت:
- ۲۴ ۵-۲-۲-۲-۲ حدود معرفت:
- ۲۴ ۶-۲-۲-۲-۲ حقیقت و خطا در معرفت:
- ۲۴ ۳-۲-۲-۲ ارزش شناسی:
- ۲۵ ۱-۳-۲-۲-۲ طبقه بندی ارزش ها:
- ۲۶ ۲-۳-۲-۲-۲ ماهیت ارزش ها:
- ۲۷ ۳-۳-۲-۲-۲ ارزش علمی ارزش ها:
- ۲۷ ۴-۲-۲-۲ جهان شناسی:
- ۲۷ ۵-۲-۲-۲ انسان شناسی:
- ۲۷ ۳-۲-۳-۲ مبانی فلسفی اسلام:
- ۲۸ ۱-۳-۲-۲ هستی شناسی:
- ۲۸ ۱-۱-۳-۲-۲ تعریف وجود:
- ۲۹ ۲-۱-۳-۲-۲ اثبات اصالت وجود:
- ۲۹ ۳-۱-۳-۲-۲ حادث و قدیم:
- ۲۹ ۴-۱-۳-۲-۲ ممکن الوجود و واجب الوجود:
- ۳۰ ۲-۳-۲-۲ معرفت:

- ۳۰ ۲-۳-۱- اهمیت و ضرورت معرفت
- ۳۱ ۲-۳-۲- امکان معرفت
- ۳۱ ۲-۳-۳- ابزارهای معرفت (منابع شناخت):
- ۳۲ ۲-۳-۴- انواع معرفت
- ۳۲ ۲-۳-۵- حدود معرفت:
- ۳۳ ۲-۳-۶- حقیقت و خطا در معرفت:
- ۳۳ ۲-۳-۳- ارزش:
- ۳۳ ۲-۳-۱- ارزش‌های مورد تمایل انسان‌ها:
- ۳۳ ۲-۳-۲- مطلق بودن ارزش‌ها
- ۳۴ ۲-۳-۳- ارزش ذاتی و خارجی:
- ۳۴ ۲-۳-۴- جهان‌شناسی:
- ۳۵ ۲-۳-۵- انسان‌شناسی:
- ۳۶ ۲-۳-۶- شارحان اسلام:
- ۳۶ ۲-۳-۱- ابن خلدون:
- ۳۸ ۲-۳-۲- علامه مجلسی:
- ۳۹ ۲-۳-۳- ملا مهدی نراقی:
- ۴۱ ۲-۳-۴- خواجه نصیرالدین طوسی:
- ۴۲ ۲-۳-۵- ابن مسکویه:
- ۴۴ ۲-۳-۶- امام محمد غزالی:
- ۴۵ ۲-۳-۷- فارابی:
- ۴۷ ۲-۳-۸- ابن سینا
- ۴۸ ۲-۴- مبانی فلسفی از دیدگاه اگزیستانسیالیسم
- ۴۹ ۲-۴-۱- هستی‌شناسی
- ۵۱ ۲-۴-۲- معرفت‌شناسی:
- ۵۲ ۲-۴-۳- ارزش‌شناسی:
- ۵۳ ۲-۴-۴- انسان‌شناسی:
- ۵۴ ۲-۴-۵- شارحان اگزیستانسیالیسم:
- ۵۴ ۲-۴-۱- سورن کی‌یر که گارد: (۱۸۱۳-۱۸۵۵)

- ۵۶ ۲-۵-۴-۲- ژان پل سارتر (۱۹۰۵-۱۹۸۰ م):
- ۵۷ ۲-۵-۳-۲- مارتین بابر (۱۸۷۸-۱۹۶۵ م)
- ۵۸ ۲-۵-۴-۲- مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶ م)
- ۶۰ ۲-۵-۵-۲- فریدریش ویلهلم نیچه (۱۹۰۰-۱۸۴۴)
- ۶۱ ۲-۵-۶-۲- یاسپرس:
- ۶۳ ۳-۱-۱-۱- دلالت‌های تربیتی در اسلام
- ۶۳ ۳-۱-۱-۱- جایگاه و اهمیت تعلیم و تربیت در اسلام
- ۶۴ ۳-۱-۱-۲- ریشه‌های نظام آموزش و پرورش اسلامی
- ۶۴ ۳-۱-۱-۳- اهمیت خواندن و نوشتن در اسلام
- ۶۵ ۳-۱-۱-۴- اهداف تربیتی:
- ۶۵ ۳-۱-۴-۱- هدایت و رشد
- ۶۵ ۳-۱-۴-۲- طهارت و حیات طیبه
- ۶۶ ۳-۱-۴-۳- تقوا
- ۶۷ ۳-۱-۴-۴- قرب
- ۶۷ ۳-۱-۴-۵- عبادت و عبودیت
- ۶۷ ۳-۱-۵-۱- روش‌های تربیتی
- ۶۸ ۳-۱-۵-۱- روش الگو در تربیت
- ۶۸ ۳-۱-۵-۲- روش محبت در تربیت
- ۶۹ ۳-۱-۵-۳- روش عبرت در تربیت
- ۶۹ ۳-۱-۵-۴- روش موعظه در تربیت
- ۷۰ ۳-۱-۵-۵- روش توبه در تربیت
- ۷۰ ۳-۱-۵-۶- روش ابتلا و امتحان در تربیت
- ۷۰ ۳-۱-۵-۷- روش مراقبه و محاسبه در تربیت
- ۷۱ ۳-۱-۵-۸- روش تذکر در تربیت
- ۷۲ ۳-۱-۵-۹- پاداش و تنبیه:
- ۷۲ ۳-۱-۶- ویژگی‌های تربیت اسلامی
- ۷۳ ۳-۱-۷- برنامه درسی از دیدگاه اسلام
- ۷۴ ۳-۱-۷-۱- هدف برنامه درسی

- ۷۶ ۳-۱-۱-۲-۷-۲- محتوای برنامه درسی
- ۷۹ ۳-۱-۱-۳-۷-۳- روش‌های آموزش
- ۷۷ ۳-۱-۱-۳-۷-۱-۱- روش خطابه
- ۷۷ ۳-۱-۱-۳-۷-۲-۳- روش مناظره
- ۷۸ ۳-۱-۱-۳-۷-۳-۳- روش سؤال و جواب
- ۷۸ ۳-۱-۱-۳-۷-۴-۳- روش آموزش عملی
- ۷۸ ۳-۱-۱-۳-۷-۵-۳- روش تقلید از الگو
- ۷۹ ۳-۱-۱-۳-۷-۴- نقش معلم
- ۸۰ ۳-۱-۱-۳-۷-۵- ارزشیابی:
- ۸۰ ۳-۱-۲- دلالت‌های تربیتی در مکتب اگزیستانسیالیسم
- ۸۱ ۳-۱-۲-۱- اهداف تعلیم و تربیت در دیدگاه اگزیستانسیالیست
- ۸۲ ۳-۱-۲-۲- وظیفه تعلیم و تربیت:
- ۸۲ ۳-۱-۲-۳- مراحل تعلیم و تربیت
- ۸۳ ۳-۱-۲-۴- روش‌های تعلیم و تربیت
- ۸۳ ۳-۱-۲-۵- برنامه درسی و هدف آن
- ۸۶ ۳-۱-۲-۱-۵- محتوا
- ۸۶ ۳-۱-۲-۲-۵- روش آموزش
- ۸۸ ۳-۱-۲-۳-۵- نقش معلم در این دیدگاه
- ۹۰ ۳-۱-۲-۴-۵- روش تدریس
- ۹۱ ۳-۱-۲-۵-۵- آموزش و پرورش
- ۹۳ ۴-۱-۱- اشتراکات میان اسلام و اگزیستانسیالیسم
- ۹۳ ۴-۱-۱- آزادی
- ۹۳ ۴-۱-۲- اختیار و مسئولیت بشر
- ۹۴ ۴-۱-۳- ساخته شدن ماهیت انسان توسط خود
- ۹۵ ۴-۲- نقاط افتراق میان اسلام و اگزیستانسیالیسم
- ۹۵ ۴-۲-۱- ارزش
- ۹۵ ۴-۲-۲- اعتقاد به خدا
- ۹۶ ۴-۲-۳- فطرت

- ۹۷ ۳-۴-۳- نقاط قوت برنامه درسی اگزستانسیالیسم
- ۹۷ ۴-۳-۱- ایجاد فرصت تفکر برای متعلم
- ۹۷ ۴-۳-۲- توجه به انسان به عنوان مهم‌ترین عنصر تعلیم و تربیت
- ۹۸ ۴-۳-۳- ارتباط معلم و شاگرد
- ۹۸ ۴-۳-۴- استفاده از روش سقراطی در برنامه درسی
- ۹۸ ۴-۴-۴- نقاط ضعف برنامه درسی اگزستانسیالیسم
- ۹۸ ۴-۴-۱- انتخاب فردی اساس یادگیری
- ۹۹ ۴-۴-۲- نگاه افراطی به آزادی
- ۹۹ ۴-۴-۳- مسئولیت آموزش و پرورش
- ۱۰۰ ۴-۴-۴- عدم توجه به اصول مشترک بین انسان‌ها
- ۱۰۰ ۴-۴-۵- عدم توجه به آموزش گروهی در برنامه درسی
- ۱۰۰ ۴-۵-۵- نقاط قوت برنامه درسی اسلام
- ۱۰۰ ۴-۵-۱- هماهنگی با فطرت
- ۱۰۱ ۴-۵-۲- توجه به همه ابعاد وجود انسان
- ۱۰۱ ۴-۵-۳- رعایت مقتضیات دوران‌های گوناگون تربیت
- ۱۰۲ ۴-۶-۶- آسیب‌شناسی برنامه درسی
- ۱۱۱ ۴-۷-۷- نقد و مقایسه دیدگاه اسلام و اگزستانسیالیسم در برنامه درسی:
- ۱۱۲ ۴-۷-۱- بررسی و مقایسه هدف اسلام و اگزستانسیالیسم در برنامه درسی:
- ۱۱۳ ۴-۷-۲- بررسی و مقایسه محتوا اسلام و اگزستانسیالیسم در برنامه درسی:
- ۱۱۴ ۴-۷-۳- بررسی و مقایسه روش اسلام و اگزستانسیالیسم در برنامه درسی:
- ۱۱۶ ۴-۸-۸- نتیجه‌گیری نهایی:
- ۱۱۸ فهرست منابع فارسی
- ۱۲۳ فهرست منابع انگلیسی

چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی و مقایسه دیدگاه های اسلام و اگزیستانسیالیسم در زمینه برنامه درسی (هدف، روش، محتوا) انجام شده و پس از تعریف و تبیین موضوع، اهمیت و ضرورت موضوع، سؤالات و اهداف تحقیق، مبانی فلسفی دو دیدگاه مزبور را شرح داده و به بررسی نظرات اندیشمندان در هر دو مکتب پرداخته است. با شناخت اجمالی از هر دو دیدگاه در زمینه اهداف و روش های تربیتی با توجه به مبانی فلسفی آنها، برنامه ریزی درسی با تأکید بر هدف، روش، محتوا شرح داده شده است و نقاط قوت و ضعف دو دیدگاه فوق در این زمینه بررسی شده است.

بطور خلاصه می توان گفت در برنامه درسی اسلام هدف، پرورش رشد هماهنگ ابعاد مختلف انسان و سوق دادن او به سوی خداست و محتوا بر گرفته از قرآن و سیره ائمه اطهار و اندیشمندان مسلمان می باشد و روش نیز با توجه به تفاوت های فردی، از شیوه های متفاوتی همچون مناظره، آموزش عملی و ... استفاده می شود. در برنامه درسی اگزیستانسیالیسم هدف، بیدار کردن و تقویت آگاهی به منظور بهبود انتخاب فردی است و علاقه و نگرش فرد و انتخاب فردی، محتوا را مشخص می کند و روش نیز درگیر کردن فراگیران در انتخاب شخصی با هدایت معلم می باشد.

در نهایت می توان گفت اسلام مکتبی است که از سوی خداوند که عالم به تمام نیازهای انسان بوده، ارائه شده و از این رو در ارائه تمام برنامه های خود و از جمله برنامه درسی تمام ابعاد انسان را در نظر گرفته است از این رو برنامه ای منطبق بر فطرت و جامع برای انسان ارائه کرده است، ولی اگزیستانسیالیسم علیرغم نقاط قوتی که در زمینه برنامه درسی دارد به دلیل عدم توجه به ابعاد گوناگون وجود انسان، تعریف هدفی ناقص برای کمال انسان و عدم شناخت صحیح او در موضوع برنامه درسی نیز نتوانسته برنامه ای صحیح ارائه نماید.

فصل یک

کلیات

۱-۱- مقدمه:

نقش شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست و تاکنون هم ضرورت آن مورد تردید قرار نگرفته است، چرا که تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند فرد را به اوج ارزشها برساند و اگر غلط افتد، وی را به سقوط کشاند، زیرا آدمی (برخلاف حیوانات که آگاهیها و نیازهای خود را به صورت غریزی می‌دانند) در آغاز ولادتش فاقد علم و ادراک و تربیت و کمال است و به تدریج با تعلیم و تربیت مستقیم و غیر مستقیم، استعدادهای بالقوه او به فعلیت می‌رسد و رشد و تکامل می‌یابد. (کاردان، ۱۳۸۴: ۱۷)

انسان در هر عصری با سیما و نقشی نو ظهور می‌یابد. از یکسو این ظهور کمابیش تحت تأثیر شرایط فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه قرار دارد و از سوی دیگر خود نیز عامل تغییرات دامنه‌داری است. تعلیم و تربیت نیز به لحاظ عملی و نظری از این شرایط تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر می‌نهد. شناخت این شرایط و تحولات مداومی که روی می‌دهد به ما کمک می‌کند تا با دیدی وسیع‌تر به بررسی مسایل تعلیم و تربیت بپردازیم. (کشاورزی، ۱۳۸۶: ۴)

اسلام مکتب جهانی و جاودانه‌ایست (انعام / ۱۹) که ۱۴۰۰ سال قبل با پشتوانه‌ای عقلانی، وحیانی از طرف خداوند متعال، دستوراتش در قالب کتابی محکم (هود / ۱) و تحریف ناپذیر (فصلت / ۴۱) از طریق وحی (نجم / ۱۰) بر پیامبری که دارای عصمت است (الحاقه / ۴۴-۴۷) بعنوان معجزه جاودانه و خلل ناپذیر که تا قیامت انسانها را به تحدی و مبارزه طلبی فرا خوانده است، بوجود آمده است.

اگزستانسیالیسم یکی از متأخرترین فلسفه‌های جدید است و از این رو به تازگی در نظریه‌های تربیتی و مسایل تعلیم و تربیت کاربرد پیدا کرده است. ریشه‌های این فلسفه را می‌توان تا زمان سوفسطاییان دنبال کرد. اگزستانسیالیسم امروزی با کارهای سورن کی پرگگار ۱ و فردریش ویلهلم نیچه ۲ در قرن نوزدهم آغاز شد. این فلسفه در قرن بیستم به وسیله شخصیت‌هایی نظیر مارتین بابر ۳، کارل یاسپرس ۱ و ژان پل سارتر ۲ بیش‌تر گسترش یافت. (هواردا. اوزمن. سموئل ام، ۱۳۷۹، ترجمه گروه علوم تربیتی: ۳۸۳)

1. Soren kier kegard
2. Ferederich Willhelm Nietzsche
3. Martin Buber

ارائه تعریف برنامه درسی از هر دیدگاهی مستلزم تعریف اهداف تربیتی و روشهای تربیتی دیدگاه و یا به عبارتی جهان بینی و ایدئولوژی آن مکتب می باشد. جهت بررسی اهداف و روشهای تربیتی، نخست باید مبانی فلسفی مکاتب را بررسی نماییم و پس از مشخص شدن مبانی فلسفی و نگاهی که هر مکتب به انسان بعنوان موضوع تعلیم و تربیت دارد به بحث پیرامون دلالتهای تربیتی و ارائه برنامه درسی از آن مکتب بپردازیم.

۱-۲- تعریف و تبیین موضوع:

با توجه به عنوان این تحقیق (بررسی و مقایسه دیدگاه اسلام و اگزیستانسیالیسم در زمینه برنامه درسی با تأکید بر هدف، روش، محتوا) نخست باید با مبانی فلسفی دو دیدگاه بطور کامل آشنا شویم.

مبانی فلسفی در هر دیدگاهی شامل هستی شناسی، معرفت شناسی، ارزش شناسی می باشد:

الف) هستی شناسی: مقوله یا حوزه است که سؤالات و مفروضات انسان را در مورد ماهیت و چگونگی پیدایش جهان و انسان در بر می گیرد. بحث در مورد ماهیت یادگیرنده و جهان پیرامون او، ویژگیها و خصایص یادگیرندگان و نقش یادگیرندگان در محیط و جامعه پیرامونی از جمله مباحث مهم در حوزه هستی شناسی است.

ب) معرفت شناسی: مقوله یا حوزه است که سؤالات و مفروضاتی در مورد ماهیت معرفت یا شناخت، چگونگی کسب معرفت یا یادگیری و منابع کسب معرفت و انواع معرفت و یادگیری را مورد بحث قرار می دهد. چگونگی سازماندهی فرصتهای یادگیری و راهبرهای آموزشی تحت الشعاع این حوزه قرار می گیرد.

ج) ارزش شناسی: مقوله یا حوزه ای که در پی طرح سؤالاتی در مورد ماهیت ارزشها، انواع آنها و چگونگی تشکیل نظام ارزشی می باشد. پاسخهای انسان به این سؤالات در این مقوله قرار می گیرد.

شاید در وهله اول ارتباط بین این حوزه نظری با برنامه های درسی غیر قابل باور باشد اما هنگامی که مفروضات متافیزیکی مکاتب مختلف فلسفی را مرور کرده و اهداف و محتوای برگزیده توسط آن مکاتب را مطالعه می کنیم، ارتباط ظریف و دقیق این حوزه و نظام برنامه درسی، بیش از پیش روشن و آشکار خواهد شد. تعریف جهان و انسان از پایه ای ترین بخشهای هر برنامه درسی است. چرا که نحوه تعریف ما بیان کننده پاسخ ما به سؤالاتی در این رابطه است. (یارمحمدیان، ۱۳۷۹: ۴۵)

هر مکتب تربیتی با توجه به جهان بینی، ایدئولوژی و نظام ارزشی که دارد نظام تعلیم و تربیت خویش را سازماندهی نموده، متون درس، روش تدریس، هدف تدریس و ارزشیابی مشخص می نماید.

1. Karl Jaspers
2. Jean. Paul Sartrs

در حال حاضر برنامه درسی از موضوعات مهم تعلیم و تربیت است که بسیاری از مکاتب تربیتی در مورد آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند.

در این تحقیق به دو دیدگاه اسلام و اگزیستانسیالیسم در زمینه برنامه درسی (با تأکید بر هدف روش، محتوا) پرداخته و پس از مقایسه و تجزیه و تحلیل هر دیدگاه در این زمینه به بررسی نقاط قوت و ضعف دو دیدگاه می‌پردازیم.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق:

مربیان و برنامه‌ریزان درسی و آموزشی، مسؤولیت سنگین تربیت فرزندان جامعه را برعهده دارند و باید در جهت شناخت عوامل و عناصری که در فرایند تعلیم و تربیت دخالت دارند کوشش کنند. نیازها و ویژگیهای جامعه گذشته، امروز و آینده را بشناسند و برنامه‌های تربیتی را مطابق با این نیازها طراحی کنند. تعلیم و تربیت به شکل سنتی و غیر قابل تغییر آن، دیگر جوابگوی شرایط جدید و تغییر یافته و یا در حال تغییر جامعه نیست و بسیاری از عقاید و مفروضات تربیتی نیاز به اصلاح و تجدید نظر دارند. اگر در گذشته نظام تعلیم و تربیت و برنامه‌های تربیتی به دلیل کمبود منابع، کتابخانه و بانکهای اطلاعاتی و... بر حفظ کردن، تکرار و تمرین و شرطی سازی تأکید می‌کردند و سعی می‌کردند ذهن شاگردان را به یک فرهنگ نامه و بانک کوچک اطلاعاتی یا خزانه لغات و فرمولها تبدیل کنند و معلومات و حقایق و اطلاعات معلم را در آن سرازیر کنند و یا نظرات و محتوای علمی کتابهای درسی را به عنوان اموری مجرد و مقدس در ظرف ذهنی دانش آموزان جای دهند، جامعه امروزی انتظار دیگری دارد.

جامعه امروز از مربیان و برنامه‌ریزان به عنوان کسانی که رسالت تربیتی دارند و از شاگردان به عنوان آینده‌سازان فردا، انتظارات دیگری دارند.

از این رو مربیان و برنامه‌ریزان امروز، نیاز به طراحی، هدایت و سازماندهی تجربیاتی دارند که یادگیرندگان در خلال آنها، درک و فهم بدست آورند نه اینکه صرفا اطلاعات و مهارتهای انتزاعی و ساده‌ای را بگیرند و این اطلاعات و مهارتهای انتزاعی را به خاطر بسپارند.

بنابراین تدریس و آموزش و نیز باورها و اندیشه‌های تربیتی ما نیازمند تغییر و تحولی اساسی خواهد بود که این تغییر و تحول مستلزم شناخت عمیق تر ماهیت برنامه درسی، مبانی آن، هدف و انواع الگوها و مدل‌های برنامه ریزی درسی است. (یارمحمدیان، ۱۳۷۹: ۱۳)

ما برای ساده‌ترین مسئله زندگی مان دنبال متخصص می‌گردیم ولی آیا نباید در اساسی‌ترین مسئله زندگی یعنی یادگیری و تربیت، دنبال متخصص باشیم؟ علم برنامه درسی و آموزش در رشته‌های مختلف به ما کمک فراوان می‌کند.

برنامه درسی و روشهای تربیت را باید از کجا و کدام مکتب فرا گرفت؟

کدام مکتب انسان را عمیق و با تمام ابعاد وجودی و استعدادهای گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهد؟ در برنامه‌ریزی درسی باید پذیرفت فردی که محتوا را مطالعه می‌کند، عقل دارد؛ بعد اجتماعی دارد؛ بعد عاطفی دارد؛ بعد زیبایی‌گرایی و ابعاد گوناگون دیگر دارد از این رو شایسته است محتوا، هدف و روش را در برنامه‌ریزی درسی طوری طراحی کنیم که همه قوای او را در بر گیرد و فردی یک بعدی پرورش نیابد. به راستی انسانی که عاطفه دارد ولی عقل ندارد به چه درد می‌خورد؟ از سویی، انسانی که عقل دارد ولی دین ندارد، چه قدر خطرناک خواهد بود؟

چه فایده‌ای دارد شما در یک بعد، انسانی را تربیت کنید که مثلاً بسیار معنوی باشد ولی تحلیلگر نباشد، عقلش رشد نکرده باشد. بنابر این هنگام طراحی برنامه ریزی درسی باید مراقب بود؛ باید پرسید که آیا این برنامه و محتوایی که در کتاب آورده می‌شود، تمام ابعاد وجود آن را در بر می‌گیرد یا نه؟ اگر مشاهده شد که در جایی اشکال دارد آن جا باید علامت سؤال گذاشت و بر روی آن کار کرد. هم چنین باید پرسید: آیا برنامه ریزی درسی این توان را دارد که همه ابعاد فرد را رشد دهد؟ (ملکی، ۱۳۸۲: ۳۰)

در این تحقیق بر آنیم تا برنامه درسی را از منظر اسلام و اگزیستانسیالیسم مورد بررسی قرار دهیم. آنچه باعث ارائه این تحقیق شده است:

با توجه به اینکه جامعه ما یک جامعه اسلامی است و دارای آرمان‌های تربیت دینی است ولی به نظر می‌رسد در حوزه برنامه درسی منطبق بر جهان بینی اسلامی و بر گرفته شده از مبانی فلسفی تربیت دینی تألیفات علمی کم رنگ است و در تحقیقات به فعالیتهای آموزشی، روش تدریس، محتوا، رعایت وظایف معلم و شاگرد از منظر دین کمتر توجه شده است.

در بعضی موارد با نگاه تحلیلی - مقایسه‌ای بین دو مکتب و مکاتب مختلف تربیتی است که انسان می‌تواند در ارائه و انتخاب یک نظام تربیتی و یک برنامه درسی مفید، موفق شود. در این تحقیق بر آن شدیم مبانی فلسفی دو دیدگاه اسلام و اگزیستانسیالیسم را مورد بررسی قرار دهیم تا اهداف و روشهای تربیتی و برنامه درسی دو دیدگاه را مشخص نموده و مورد مقایسه قرار دهیم و با بررسی نقاط قوت و ضعف دو دیدگاه به این نتیجه برسیم که کدام دیدگاه برنامه درسی کاملتر و مفیدتری را ارائه می‌دهد؟ چرا؟

۱-۴-مفهوم شناسی:

۱-۴-۱- تعریف اسلام:

اسلام از «سلم» مشتق شده و در لغت به معنای «انقیاد» و «پیروی» است؛ «اسلمت وجهی الیک» یعنی تسلیم دستوره‌های تو هستم (الطریحی، ۱۴۰۸، ذیل سلم). این واژه در اصطلاح به دینی گفته می‌شود که حضرت محمد بن عبدالله (ص) از جانب خداوند برای هدایت انسانها آورده شده است. پیروان حضرت محمد (ص) را «مسلمان» می‌خوانند. (داوودی، ۱۳۸۴: ۲۱)

۱-۴-۲- اگزیستانسیالیسم:

اگزیستانسیالیسم (وجود گرایی): لفظ اگزیستنس به معنای وجود یا هستی ظهوری است که بر وجود درونی تحقق نیافته انسان دلالت دارد که با اراده انسان و توسط خود وی تحقق می‌یابد. وجودگرایی به فلسفه‌ی ژان پل سارتر و نیز به مجموعه‌ی اندیشه‌های قرون نوزدهم و بیستم اطلاق می‌شود که بر اصالت فرد تأکید کرده‌اند. (گنجی، ۱۳۸۴: ۳۵۵)

۱-۴-۳- هستی شناسی:

هستی شناسی علم به وجود از آن جهت که وجود است می‌باشد، یعنی علم به مطلق وجود و حقیقت هستی است. هستی شناسی وجود را آنگونه که هست مورد مطالعه قرار می‌دهد (آموزگار، ۱۳۷۹: ۷۱)

۱-۴-۴- معرفت شناسی:

علمی که درباره شناخت‌های انسان و ارزشیابی انواع آن، خطای ادراک، تعریف معرفت حقیقی، ملاک و معیار صحت و خطا در ادراکات و اموری مقدم و یا متفرع بر این مباحث، سخن گوید و یا به تعبیر دیگر به اقسام معرفت، ارزش آن و ملاک ارزش می‌پردازد. (معلمی، ۱۳۸۶: ۲۶)

۱-۴-۵- ارزش شناسی:

حوزه‌ای از فلسفه است. آنچه در زمینه گسترش میراث فرهنگی، در بهبود روابط انسانی و در تحکیم حقوق و آزادیهای فردی و حفظ آرمانهای بشری بوسیله فیلسوفان و دانشمندان مشخص و روشن گردد، پایه و اساس ارزشها را تشکیل می‌دهد. (شریعتمداری، ۱۳۷۶: ۱۵۳)

۱-۴-۶- برنامه درسی:

برنامه درسی به محتوای رسمی و غیر رسمی، روش و آموزشهای آشکار و نهان اطلاق می‌گردد که بوسیله آنها شاگردان تحت هدایت مدرسه دانش لازم را بدست می‌آورند. مهارتها را کسب می‌کنند و گرایشها و ارزشها را در خود تغییر می‌دهند. (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۵)

۱-۴-۷- هدف:

داشتن هدف در زندگی از لوازم اصلی حیات سعادت‌مندانه و معنادار است. انسان زمانی امنیت خاطر و آرامش دارد که افق روشنی در آینده خود ببیند و با انگیزه و رضایت درونی برای رسیدن به آنچه که در آن افق مد نظر دارد، تلاش کند. در فرهنگ معین هدف چنین تعریف شده است: «هر چیز بلند و افراشته، آنچه آدمی برای رسیدن به آن بکوشد. مقصود، غایت.» (ملکی، ۱۳۸۴: ۳۸)

۱-۴-۸- روش^۱:

روش در لغت به معنای قاعده، شیوه، سبک آمده است. روش عبارت است از راه بکارگیری قواعد، شیوه‌ها و فنون آموزشی که آموزگار برای رسیدن به اهداف آموزشی خود، از آنها بهره می‌گیرد. (حسینی زاده، ۱۳۸۴: ۲۸)

۱-۴-۹- محتوا:

عبارت است از مجموعه مفاهیم، اصول، مهارتها، ارزشها و گرایشهایی که از سوی برنامه‌ریزان و به قصد تحقق اهداف، انتخاب و سازماندهی می‌شود. (ملکی، ۱۳۸۴: ۸۲)

۱-۵- روش تحقیق:

با توجه به اینکه در هر پژوهشی، انتخاب روش تحقیق به ماهیت موضوع، اهداف پژوهش و سؤالاتی که تدوین گردیده، بستگی دارد، بنابراین ضروری است ابتدا موضوع پژوهش از لحاظ ماهیت آن مورد تامل قرار گیرد و سپس به بررسی دیگر عواملی که در این انتخاب دخیل است بپردازیم. ماهیت موضوع: عنوان این پژوهش «بررسی و مقایسه دیدگاههای اسلام و اگزیستانسیالیسم در برنامه درسی» می‌باشد، بنابراین آنچه که محور اصلی تحقیق می‌باشد، برنامه درسی از نظر دیدگاه اسلام و اگزیستانسیالیسم تبیین و مقایسه و بررسی می‌شود.

اسلام بعنوان دینی که تمام شئون حیات انسانی را در بر می‌گیرد خود از فرهنگی غنی و پربار برخوردار است. این فرهنگ مبتنی بر وحی است و از تعالیم الهی نشأت می‌گیرد.

اسلام بعنوان یک نظام تربیتی دارای جنبه الهی، هدایتی، پویایی و عقلانی بوده که برای تمام دوره‌های زندگی انسان برنامه تربیتی دارد. (شریعتمداری، ۱۳۷۷: ۳۳)

اگزیستانسیالیسم مجموعه‌ای از اندیشه‌های فلسفی یکدست نیست بلکه کسانی که به عنوان اگزیستانسیالیست شناخته شده‌اند، پرسش‌هایی مشابهی را طرح کرده ولی در ارائه پاسخ دچار اختلاف شده‌اند. در واقع اگزیستانسیالیسم را می‌توان به عنوان نوعی اندیشه فلسفی تلقی کرد که بر یگانگی و آزادی فرد در برابر گروه، جماعت یا جامعه توده وار تأکید می‌نهد. این مکتب بر این امر تکیه می‌کند که همه مردم در قبال معنی و مفهوم زندگی خود و ایجاد ماهیت یا تعریف هویت خویش مسئولیت کامل دارند. (جرالد ال گوتک، ترجمه پاک سرشت، ۱۵۷)

برنامه درسی گذشته طولانی، ولی تاریخچه‌ای کوتاه دارد. هرچند مفهوم برنامه درسی در برنامه‌ها و تجویزهای اولیه تربیتی در همه اجتماعات متمدن به طور ضمنی وجود داشته ولی برنامه درسی بعنوان یک زمینه پژوهشی منظم، از دهه ۱۹۲۰ به وجود آمده است. (مهرمحمدی، ۱۳۸۱: ۴۵۹)

با توجه به ماهیت موضوع این پژوهش، تربیتی-فلسفی است. نوع آن کیفی و روش آن تحلیلی و انتقادی است. از طریق این روش مفاهیم مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با دید مقایسه‌ای و انتقادی آراء و دیدگاههای تربیتی مختلف بررسی شده و دلالت‌های تربیتی آن استخراج گردیده است. اطلاعات و مواد اولیه به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. (شامل کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و...)

در ابتدا در دو زمینه اسلام و اگزیستانسیالیسم به شناسایی و گردآوری منابع مورد نظر پرداختیم. سپس به فیش برداری از این منابع و دسته‌بندی اطلاعات در این زمینه، به مقایسه دیدگاه اسلام و اگزیستانسیالیسم در زمینه برنامه درسی با تأکید بر هدف، محتوا، روش می‌پردازیم.

مطالب ارائه شده را در دو بخش طبقه‌بندی نمودیم:

۱. اطلاعات مربوط به اسلام و اگزیستانسیالیسم و شرحی کامل پیرامون مبانی فلسفی دو دیدگاه

۲. اطلاعات مربوط به برنامه درسی (هدف، روش، محتوا) در دو دیدگاه

در پایان نیز با توجه به رویکرد تحقیق که تحلیلی - انتقادی است به مقایسه و نقاط قوت و ضعف دو دیدگاه در زمینه برنامه درسی پرداخته شد.

۱-۶- سوالات تحقیق:

۱. اهداف برنامه درسی بر اساس دیدگاه اسلام و اگزیستانسیالیسم چیست؟

۲. محتوای برنامه درسی بر اساس دیدگاه اسلام و اگزیستانسیالیسم چیست؟
۳. روشهای مطلوب تدریس بر اساس دیدگاه اسلام و اگزیستانسیالیسم کدامند؟
۴. نقاط قوت و ضعف دو دیدگاه اسلام و اگزیستانسیالیسم چیست؟

۱-۷- اهداف تحقیق:

۱. بررسی و مقایسه دیدگاه اسلام و اگزیستانسیالیسم و دلالتهای تربیتی آن در زمینه محتوای برنامه درسی
۲. بررسی و مقایسه دیدگاه اسلام و اگزیستانسیالیسم و دلالتهای تربیتی آن در زمینه روشهای تدریس
۳. بررسی و مقایسه دیدگاه اسلام و اگزیستانسیالیسم در زمینه اهداف برنامه درسی
۴. بررسی نقاط قوت و ضعف دیدگاههای اسلام و اگزیستانسیالیسم در زمینه برنامه درسی

۱-۸- پیشینه عملی تحقیق:

مطالعات داخلی:

حسن ملکی (۱۳۸۴) در کتاب مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه، به برنامه‌ریزی و جایگاه آن در نظام آموزش و پرورش و به تعلیم و تربیت از دیدگاههای مختلف ایدئالیسم، رئالیسم، پراگماتیسم و اسلام پرداخته و هدف، روش و محتوا و برنامه درسی هر دیدگاه را شرح داده و به این نتیجه رسیده است که اسلام به دلیل جامع‌نگری به انسان و هستی بهترین برنامه تعلیم و تربیت را ارائه داده است.

ماجد عرسان گیلانی (۱۳۸۶) در کتاب سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی در یک بررسی تاریخی، به سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی از قرن اول تا قرن هشتم پرداخته و در این سیر به اصول تربیتی از منظر قرآن و سنت توجه داشته است و اشاره می‌کند که عواملی که مفهوم نظریه تربیتی را به فرجام کشانده است بیرون از طبیعت و متون اسلامی است و در درجه نخست به روش‌های تفکر و شیوه‌های فهم و دریافتی باز می‌گردد که در دوران تقلید و جمود و فسرده‌گی حاکم و رایج بوده است.

مصطفی دلشاد تهرانی (۱۳۸۲) در کتاب سیری در تربیت اسلامی، موانع تربیت، مبانی تربیت، اصول تربیت، اهداف و روش‌های تربیتی را از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار داده است و تأکید دارد بر اینکه روش‌های تربیتی که بر طبق اصول تربیت در جهت اهداف به کار گرفته می‌شوند، زمانی نتیجه بخش خواهد بود که بر اثر تکرار و تمرین و تلقین، آن کمالات در روح انسان نقش ببندد. در این کتاب جا داشت مقایسه مختصری بین دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب در زمینه اصول، اهداف و روش‌های تربیتی صورت می‌گرفت.